

Identifying Drivers of Regional Development Promotion with a Futures Studies Approach (Case Study: Zirkuh County)

Mostafa Ghaderi Hajat¹

Associate Professor of Political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Mohammad Shahab Ahmadi

PhD Student in Political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Arman Karimi

PhD Student in Political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Received: 28 September 2024 Revised: 27 April 2025 Accepted: 26 May 2025

Abstract

In a networked world, interactions are in a state of flux, but border areas are still of particular importance. These spaces occupy a special place in political strategies due to their spatial-political characteristics and managerial roles at different scales. They are especially important for political systems to ensure internal stability and security. The eastern border of Iran, especially Zirkuh County in South Khorasan Province, which shares a 116-km border with Afghanistan, is of paramount importance in national and regional development strategies. The present article looks into possible scenarios for the development of Zirkuh County. Future studies, thanks to their flexible structural approach, enable predicting and evaluating development systems. This research investigates variables underpinning the development of Zirkuh County in a descriptive and analytical manner using the content analysis method. To do so, a questionnaire was distributed among 15 regional planning experts to collect data. Then, data analysis was conducted using the Miq-Maq structural analysis method. Research scenarios were designed using the Scenario Wizard software.

1. Corresponding Author. Email: m.ghaderihajat@modares.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license:

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Ghaderi Hajat, M., Ahmadi, M. S. and Karimi, A. (2025). Identifying Drivers of Regional Development Promotion with a Futures Studies Approach (Case Study: Zirkuh County). *Journal of Geography and Regional Development*, 23(2), 85-114. Doi: 10.22067/jgrd.2025.90011.1484

The results yielded 29 variables underpinning the development of Zirkuh County, of which 16 were considered as primary variables. Informed by these variables, three scenarios were formulated for development: 1- Crisis strategy: changing attitudes to ethnicities, establishing spatial equality, and strengthening international relations; 2- Crisis or semi-crisis strategy: fostering the role of the government in reducing inflation, spatial equality, and consolidating communication and international routes; 3- Strategy of keeping the status quo: developing more social interaction and appropriate population policies. These scenarios, driven by social, economic, and security changes in the region, can provide appropriate solutions for the sustainable development of this border region.

Keywords: Zirkuh, Regional Development, Future Studies, Decentralization.

شناسایی پیشران‌های مؤثر بر ارتقای توسعه منطقه‌ای با رویکرد آینده‌پژوهی (مطالعه موردی: شهرستان زیرکوه)

مصطفی قادری حاجت (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

m.ghaderihajat@modares.ac.ir

محمد شهاب‌احمدی (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

shahabahmadi73@gmail.com

آرمان کریمی (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

arman.karimi@modares.ac.ir

چکیده

با وجود گسترش فضای جریان‌ها در جهان شبکه‌ای، مناطق مرزی هنوز از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، این فضاها به دلیل ویژگی‌های فضایی-سیاسی و نقش‌های مدیریتی در مقیاس‌های مختلف، جایگاه ویژه‌ای در استراتژی‌های سیاسی دارند. این مناطق به‌ویژه برای سیستم‌های سیاسی در تأمین ثبات و امنیت داخلی حائز اهمیت هستند. مرزهای شرقی ایران، به‌ویژه شهرستان زیرکوه در استان خراسان جنوبی که با افغانستان هم‌مرز است و مرزی به طول ۱۱۶ کیلومتر دارد، از اهمیت بالایی در راهبردهای توسعه ملی و منطقه‌ای برخوردارند. مقاله حاضر به تحلیل سناریوهای محتمل برای توسعه شهرستان زیرکوه پرداخته است. مطالعات آینده‌پژوهی با رویکرد ساختاری منعطف، امکان پیش‌بینی و ارزیابی سیستم‌های توسعه‌ای را فراهم می‌کند. این تحقیق به‌صورت توصیفی و تحلیلی با استفاده از روش تحلیل محتوا، متغیرهای مؤثر بر توسعه شهرستان زیرکوه را بررسی کرده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌ای که بین ۱۵ کارشناس برنامه‌ریزی منطقه‌ای توزیع شد، استفاده شده است و داده‌ها با روش تحلیل ساختاری میک‌مک تحلیل شدند. سناریوهای تحقیق با استفاده از نرم‌افزار سناریو ویزارد طراحی شده است. نتایج نشان داد که ۲۹ متغیر اثرگذار در توسعه شهرستان زیرکوه شناسایی شدند که از میان آنها، ۱۶ متغیر به‌عنوان متغیرهای اصلی در نظر گرفته شدند. براساس این متغیرها، سه سناریو برای توسعه طراحی شد: ۱- استراتژی شرایط بحرانی: تغییر نگرش به

نشریه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و سوم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۱، صص ۱۱۴-۸۵

تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۷

قومیت‌ها، برقراری برابری مکانی و تقویت روابط بین‌الملل؛ ۲- استراتژی در وضعیت بحران یا نیمه‌بحران: افزایش نقش دولت در کاهش تورم، برابری فضایی و تقویت مسیرهای ارتباطی و بین‌الملل؛ ۳- سیاست تداوم وضع موجود: ایجاد تعامل اجتماعی بیشتر و سیاست‌های جمعیتی مناسب. این سناریوها بر مبنای تغییرات اجتماعی، اقتصادی و امنیتی در منطقه طراحی شده‌اند و می‌توانند راهکارهای مناسبی برای توسعه پایدار این منطقه مرزی فراهم کنند.

واژگان کلیدی: زیرکوه، توسعه منطقه‌ای، آینده‌پژوهی، تمرکززدایی.

۱. مقدمه

جهان امروز نه تنها پیچیده است، بلکه به‌طور مداوم در حال تغییر و تحول است. از این رو، استفاده از روش‌های سنتی و پیش‌بینی‌های خطی برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در چنین دنیایی ناکارآمد به نظر می‌رسد. به جای پیش‌بینی آینده، نیاز به رویکردهای آینده‌نگرانه و انعطاف‌پذیر احساس می‌شود (هانس-هورست و جتر^۱، ۲۰۰۳، واروم و ملو^۲، ۲۰۲۰). در این میان، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه و مناطق مرزی، مشکلات و چالش‌های ویژه‌ای وجود دارد که باعث می‌شود برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای با شکست مواجه شوند. این مناطق، به دلیل عدم توازن در توزیع منابع، نبود ساختارهای مدیریتی مؤثر و تأثیرات منفی سیاست‌های تمرکزگرا، دچار مشکلاتی هستند که در بسیاری از موارد مانع تحقق اهداف توسعه‌ای می‌شوند. شهرستان زیرکوه، یکی از شهرستان‌های مرزی استان خراسان جنوبی، در جنوب شرقی ایران واقع شده و با کشور افغانستان به طول ۱۱۶ کیلومتر مرز مشترک دارد. این موقعیت جغرافیایی خاص موجب شده تا شهرستان زیرکوه از یک سو با چالش‌های امنیتی ناشی از ناآرامی‌ها و بحران‌های داخلی افغانستان مواجه باشد و از سوی دیگر، به‌عنوان یک منطقه مرزی، پتانسیل‌های بالقوه‌ای برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در راستای ارتباطات و همکاری‌های بین‌المللی فراهم آورد. مرزهای شرقی ایران به‌ویژه در نواحی هم‌مرز با

1. Hans-Horst, & Jetter

2. Varum, Melo

افغانستان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. این مناطق به دلیل هم‌مرزی با کانون‌های بحران و تهدید، باید در استراتژی‌های کلان امنیتی و توسعه‌ای کشور مورد توجه قرار گیرند. بحران‌های موجود در افغانستان از جمله تهدیدات امنیتی، قاچاق مواد مخدر، مهاجرت‌های غیرقانونی و تروریسم، به طور مستقیم و غیرمستقیم بر امنیت و ثبات داخلی ایران تأثیرگذار هستند. از طرف دیگر، فرصت‌های تجاری، اقتصادی و فرهنگی که از ارتباط با کشورهای همسایه به ویژه افغانستان حاصل می‌شود، می‌تواند به توسعه منطقه‌ای و ملی کمک کند. بنابراین، مدیریت این مرزها و بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های موجود، امری ضروری و حیاتی است. شهرستان زیرکوه با ویژگی‌های خاص جغرافیایی و فرهنگی خود، با چالش‌هایی در زمینه‌های مختلف مواجه است. یکی از چالش‌های عمده در این شهرستان، تأمین امنیت مرزی و مقابله با تهدیدات ناشی از وضعیت نامساعد افغانستان است. از سوی دیگر، توسعه اقتصادی منطقه با مشکلاتی همچون کمبود زیرساخت‌ها، فقدان صنایع بزرگ و متنوع، بیکاری بالا و مشکلات ناشی از تغییرات اقلیمی مواجه است. علاوه بر این، مشکلات اجتماعی و فرهنگی ناشی از تنوع قومی و فرهنگی و عدم توازن در توزیع منابع و خدمات، باعث ایجاد شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی در شهرستان شده است. با توجه به تحولات سریع در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی، به ویژه در مناطق مرزی، شناسایی روندها و تحولات آینده و پیش‌بینی چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو برای شهرستان زیرکوه اهمیت زیادی دارد. در این راستا، رویکرد آینده‌پژوهی به عنوان ابزاری برای شبیه‌سازی سناریوهای مختلف و تحلیل پیشران‌های مؤثر بر توسعه، می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا با ارزیابی آینده‌پژوهانه، استراتژی‌های بهتری برای مدیریت این منطقه طراحی کنند. از آنجا که در شرایط کنونی، تحولات جهانی و منطقه‌ای تأثیر زیادی بر توسعه این شهرستان خواهند گذاشت، تحلیل و پیش‌بینی سناریوهای مختلف می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های هوشمندانه‌تر کمک کند. طراحی سناریوهای مختلف برای توسعه شهرستان زیرکوه، به ویژه در شرایط ناپایدار و غیرقابل پیش‌بینی کنونی، ضروری به نظر می‌رسد. سناریوهایی که

می‌توانند پاسخگوی چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو باشند، باید به‌طور جامع به تحلیل و بررسی متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و فرهنگی پرداخته و راهکارهایی برای بهبود وضعیت معیشتی مردم، تقویت زیرساخت‌های منطقه‌ای، بهبود وضعیت امنیتی و افزایش همکاری‌های بین‌المللی در نظر بگیرند. در این راستا، با استفاده از روش‌های تحلیل محتوا و تحلیل ساختاری میک‌مک، می‌توان به شناسایی و ارزیابی متغیرهای کلیدی مؤثر بر توسعه شهرستان زیرکوه پرداخت. این تحلیل‌ها می‌تواند به شناسایی پیشران‌ها و روندهای مهم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کمک کرده و براساس آن، سناریوهای محتمل برای آینده شهرستان طراحی شود. استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی مانند سناریو ویزارد، این امکان را فراهم می‌آورد که با شبیه‌سازی سناریوهای مختلف، به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کمک شود تا در شرایط عدم قطعیت، تصمیمات بهتری برای توسعه این منطقه اتخاذ کنند. هدف اصلی این تحقیق، شناسایی و تحلیل پیشران‌های مؤثر در توسعه شهرستان زیرکوه و طراحی سناریوهای مختلف توسعه‌ای با استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی است. این تحقیق تلاش دارد تا با شبیه‌سازی سناریوهای مختلف، سیاست‌های بهینه برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و امنیتی شهرستان را به‌ویژه در شرایط مرزی و در معرض تهدیدهای امنیتی، ارائه دهد. به‌علاوه، این مطالعه می‌تواند به‌عنوان یک راهنمای عملی برای تصمیم‌گیرندگان و مسئولان در طراحی استراتژی‌های منطقه‌ای و ملی برای مناطق مرزی، به‌ویژه شهرستان‌های مشابه با ویژگی‌های زیرکوه، مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به موقعیت حساس جغرافیایی و اهمیت استراتژیک شهرستان زیرکوه در مرز شرقی ایران، این منطقه نیازمند توجه ویژه در سیاست‌های توسعه‌ای کشور است. در این راستا، استفاده از رویکرد آینده‌پژوهی و طراحی سناریوهای مختلف توسعه‌ای می‌تواند به شناسایی راهکارهای مؤثر در راستای تقویت امنیت، توسعه اقتصادی و اجتماعی و بهبود شرایط زیست‌محیطی کمک کند. لذا این تحقیق می‌تواند زمینه‌ساز تدوین سیاست‌های هوشمندانه و جامع برای توسعه پایدار شهرستان زیرکوه باشد.

۲. پیشینه پژوهش

۲.۱. پیشینه مطالعاتی داخلی

فرهادی (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای تأثیر موقعیت جغرافیایی مرزهای شرقی ایران بر امنیت و توسعه اقتصادی مناطق مرزی را مورد بررسی قرار داده است. وی تأکید می‌کند که مرزهای شرقی به‌ویژه در استان‌های مرزی همچون خراسان جنوبی، به‌دلیل مجاورت با کانون‌های بحران مانند افغانستان، با تهدیدات امنیتی روبه‌رو هستند. این مناطق، علاوه بر چالش‌های امنیتی، می‌توانند به‌عنوان دروازه‌های تجاری و فرصت‌های اقتصادی نیز عمل کنند. علی‌زاده و همکاران (۲۰۱۹) با استفاده از رویکرد آینده‌پژوهی به تحلیل سناریوهای مختلف برای توسعه استان سیستان و بلوچستان پرداخته‌اند. آن‌ها نشان دادند که استفاده از مدل‌های آینده‌پژوهی می‌تواند به برنامه‌ریزان کمک کند تا تحولات اقتصادی و اجتماعی این مناطق را بهتر پیش‌بینی کنند و استراتژی‌های مؤثری برای مدیریت این مناطق مرزی تدوین نمایند. حسینی (۲۰۲۰) در مقاله‌ای عوامل مؤثر در توسعه پایدار شهرستان‌های مرزی ایران را مورد بررسی قرار داد. وی به این نتیجه رسید که تمرکز بر توسعه زیرساخت‌ها، بهبود امنیت مرزی، تقویت ارتباطات بین‌المللی و توجه به مسائل زیست‌محیطی می‌تواند در ایجاد توسعه پایدار در این مناطق مؤثر باشد. آقای (۲۰۱۸) در پژوهشی به تحلیل نقش مرزهای شرقی ایران در تأمین امنیت داخلی پرداخته است. وی تأکید دارد که امنیت مرزهای شرقی ایران به‌ویژه مرزهای مشترک با افغانستان تنها به‌عنوان یک مسئله نظامی نباید نگریسته شود، بلکه باید به‌طور هم‌زمان از جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز مورد توجه قرار گیرد.

۲.۲. پیشینه مطالعاتی خارجی

نیکولایف و همکاران^۱ (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های توسعه مناطق مرزی در آسیای میانه پرداخته‌اند. آن‌ها بیان کردند که این مناطق با تهدیدات امنیتی و بحران‌های اجتماعی زیادی مواجه هستند، اما درعین حال از ظرفیت‌های اقتصادی بالایی برای توسعه برخوردارند. همکاری‌های بین‌المللی و تقویت زیرساخت‌ها می‌تواند به عنوان یک راه حل برای مدیریت این چالش‌ها مطرح شود. تیموروف و همکاران^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی به استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی مناطق مرزی کشورهای CIS (کشورهای مستقل مشترک‌المنافع) پرداخته‌اند. آنان به این نتیجه رسیدند که آینده‌پژوهی می‌تواند به‌ویژه در پیش‌بینی تهدیدات و فرصت‌های توسعه‌ای در مناطق مرزی کمک کند و به برنامه‌ریزان این امکان را می‌دهد تا سناریوهای مختلف را در نظر بگیرند و به‌طور مؤثرتری برای توسعه این مناطق برنامه‌ریزی کنند. جوردان و کاتز^۳ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای به تحلیل مرزهای شرقی اروپا و تأثیر آن‌ها بر توسعه اقتصادی کشورهای همسایه پرداخته‌اند. آنان تأکید دارند که باوجود چالش‌های امنیتی و سیاسی، این مناطق پتانسیل بالایی برای توسعه اقتصادی دارند، به‌ویژه اگر همکاری‌های منطقه‌ای تقویت شود. آدامز و همکاران^۴ (۲۰۱۴) در پژوهشی به تحلیل امنیت و توسعه در مناطق مرزی آمریکا و مکزیک پرداخته‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که برای بهبود شرایط امنیتی و اقتصادی در این مناطق، باید بر روی افزایش همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی تأکید شود و در کنار امنیت فیزیکی، مسائل اقتصادی و اجتماعی نیز باید مدیریت شوند.

مطالعه شهرستان زیرکوه به عنوان یک منطقه مرزی با تأکید بر رویکرد آینده‌پژوهی و شبیه‌سازی سناریوهای مختلف، از جنبه‌های نوآوری این تحقیق است؛ درحالی‌که بیشتر مطالعات

1. Nikolaev

2. Timurov

3. Jordan & Katz

4. Adams

پیشین بر تحلیل وضعیت کنونی و مشکلات موجود در مناطق مرزی تأکید دارند. این پژوهش تلاش دارد با استفاده از مدل‌های آینده‌پژوهی، تحولات احتمالی این مناطق را پیش‌بینی کرده و سناریوهای مختلف توسعه را شبیه‌سازی کند. از این رو، این تحقیق می‌تواند به‌عنوان یک گام جدید در برنامه‌ریزی مناطق مرزی و توسعه پایدار شهرستان‌های مرزی، علاوه بر تجزیه و تحلیل وضعیت کنونی، به شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای آینده و طراحی استراتژی‌های مؤثر برای مقابله با چالش‌های امنیتی، اقتصادی و اجتماعی کمک کند. این رویکرد نوآورانه نه تنها در مقیاس شهرستان زیرکوه، بلکه در سایر مناطق مرزی ایران نیز قابلیت تعمیم دارد و می‌تواند به‌عنوان مدل برای توسعه مناطق مرزی در آینده استفاده شود.

۳. مبانی نظری

۳.۱. برنامه‌ریزی منطقه‌ای و آینده‌نگاری

در بررسی مفاهیم مربوط به توسعه، باید گفت که امروزه توسعه، یک مفهوم گسترده و پیچیده است. بدین ترتیب امروزه، مهم‌ترین رویکرد برای برنامه‌ریزی، اتخاذ تصمیمات و روش‌های نوین، متناسب با پیچیدگی مفهوم توسعه و اهمیت برنامه منطقه‌ای از سوی دیگر است. توسعه منطقه‌ای با تأکید بر دورنماهای آینده، نوعی تفکر استراتژیک به‌شمار می‌آید که با ترکیب در سطح روش و سیاق‌های عملیاتی، توانایی ساخت چارچوبی در قالب آینده‌نگاری منطقه‌ای را دارد (بزاززاده و همکاران، ۱۳۹۳). در این مسیر است که برنامه‌ریزی، در قالب برنامه بلندمدت، میان‌مدت، کوتاه‌مدت و راهبردی مطرح است. برنامه ریزی زمانی مسیر موفقیت خود را طی می‌کند که ضمن شناخت از شرایط فعلی، دورنماهای آینده را نیز مد نظر قرار دهد (لئومنگ و ژیانگائو^۱، ۲۰۲۱). درواقع آینده‌پژوهی، همچنان که از نامش پیداست، بر شناخت و پیش‌بینی آینده تأکید دارد. اینکه یک نهاد یا سازمانی که متولی فرایندی است، بتواند مسیر روبه‌رشد خود را با شناخت کامل آینده ترسیم نماید.

1. Lumeng & Jianguo

به همین علت است که باید از آینده‌نگاری به عنوان یک تفکر استراتژیک در برنامه‌ریزی نام برد؛ چراکه همچون برنامه‌ریزی استراتژیک، به دنبال تدوین هدف، تجزیه و تحلیل و تحقق آن، حرکت می‌کند. تمایز این دو رویکرد را بیش از همه باید در جنبه‌های انتزاعی بودن برنامه‌ریزی استراتژیک دانست. این برنامه با بهره‌گیری از علم حضوری، خلاقیت و آینده‌نگاری، برای ترسیم یک چشم‌انداز یا آینده مناسب حرکت می‌کند. مطرح شدن رویکرد استراتژیک در واقع، مهیاگر یک فضای مناسب برای تدوین‌گری برنامه‌ریزی استراتژیک است. لزوم تأکید بر آینده‌نگاری به عنوان بخشی از تفکر استراتژیک، به منظور ساختن امکان وسعت بخشیدن به گزینه‌های استراتژی، امری ضروری است (برگلوند-اسنودگراس^۱، ۲۰۲۱). گزینه استراتژی، در واقع نوعی سیاست‌گذاری است، اما باید در نظر داشت که سیاست‌گذاری، یعنی دستیابی به هدف در شرایط فعلی. این در حالی است که آینده‌نگاری یعنی، ترسیم آینده و دستیابی به فرصت‌ها و تهدیدها، در فردای آینده یک کشور، سرزمین، نهاد و ... است (خاکی، ۱۹۹۱). آینده‌نگاری اگرچه نقاط اشتراک زیادی با برنامه‌ریزی استراتژیکی دارد، اما نباید با آن اشتباه گرفته شود؛ چراکه برنامه‌ریزی استراتژی، بیش از همه نگاه به درون دارد؛ در واقع متغیرهای درونی یک سازمان یا مجموعه را مورد بررسی قرار می‌دهد. این در حالی است که آینده‌پژوهی، فراتر از این مجموعه حرکت می‌کند و نگاهی وسیع‌تر دارد؛ یعنی نه تنها به درون، بلکه مجموعه عوامل بیرونی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. می‌توان گفت که یافته‌های آینده‌نگاری، می‌تواند مبنایی برای تدوین چشم‌اندازهای استراتژیک آینده باشد؛ چراکه این آینده‌نگاری است که بینش و ساختاری ذهنی ما را برای آینده تغییر می‌دهد (گراهام، ماروین^۲، ۲۰۰۰).

نکته قابل توجه در این میان این است که خود برنامه‌ریزی نیز، منفک شده از دو جریان فکری متفاوت است. در جریان اولیه، برنامه‌ریزی را می‌توان یک پارادایم اکتشافی دانست که در نتیجه روابط علی و معلولی منوط به استخراج متغیرهای امروز و گذشته، دست به پژوهش می‌زند. این

1. Berglund-Snodgrass

2. Graham, Marvin,

جریان، یک نگاه کاملاً جبرگرا دارد؛ چراکه متغیرها امروز و گذشته، روند ثابت و مختومی را به تصویر می‌کشند که در نتیجه وجود همین رابطه، می‌توان به تصویر آینده دست یافت. در این نگاه، فرد یک ناظر بیرونی تلقی می‌شود که با کشف روندها، قادر به ترسیم آینده است. این نگاه فکری، براساس پیش‌بینی و کشف آینده شکل می‌گیرد. (وو^۱، ۲۰۱۴) این، یک نگاه از امروز به آینده است، بنابراین از درون به بیرون حرکت می‌کند و سعی بر اکتشاف شرایط افتراقی آینده دارد. نقطه آغازین برای این ترسیم، شرایط فعلی و کنونی است (استویانوویچ^۲ و همکاران، ۲۰۱۴). باید گفت که پارادایم اکتشافی، در بردارنده مفاهیمی است که منوط به علت و معلول است. علت و معلولی که در گذشته به وجود آمده است و در آینده قادر به پیش‌بینی است. بدین ترتیب، باید گفت که مهم‌ترین ابزار این پارادایم، همان پیش‌بینی است. در جریان دوم، با رویکرد هنجاری مواجه می‌شویم. در این پارادایم، انسان موجودی است که قدرت ساخت آینده را دارد؛ موقعیتی بیرونی می‌یابد و موضع خود را تغییر می‌دهد. می‌توان این دیدگاه را، نوعی ساخت آینده مبتنی بر توان انسانی دانست. در این رویکردهاست که انسان، با مجموعه‌ای وسیع از آینده روبه‌رو است؛ آینده‌ای که امکان وقوع دارد، آینده‌ای که قابل باور است که محتمل است و انسان زمانی می‌تواند به آنها دست یابد که بتواند قابلیت‌های خود و سطوح مطرح شده در آن را ارتقا دهد. این جریان انسان را موجود مختار فرض می‌کند که کاملاً امکان ساخت آینده مطلوب را بدون در نظر گرفتن روند گذشته دارد و سه مبحث اساسی را مطرح می‌کند. کدام آینده ممکن است؟ کدام آینده محتمل است؟ و در نهایت کدام آینده خوشایند است؟ (ژو^۳ و همکاران، ۲۰۱۹). باید گفت که رویکرد هنجاری، درواقع رویکردی مطعوف به درون است و با برگزیدن یک نقطه مطلوب در آینده، شروع می‌شود و برخلاف پارادایم اکتشافی، با بینش پس‌نگری، از آینده تا به حال مطرح می‌شود (واکس^۴، ۲۰۰۳). این رویکرد، بیش از هرچیزی

1. Wu

2. Stojanović

3. Xu

4. Waks

یک نگاه غایت‌نگرانه است و غایت‌نگاری را نمی‌توان با روابط علی و معلولی که از زمان گذشته و حال شکل می‌گیرد توضیح داد. در این غایت‌نگری است که امکان دارد گسستگی‌هایی در مسیر رخ دهد که اعجاب تکنولوژی نام دارد و آینده‌نگاری را وسیله برنامه‌ریزی آن می‌داند (فولادی، ۲۰۰۴). بنابراین، باید چنین نتیجه‌گیری کرد که در رویکردهای سنتی یا رویکردهای اکتشافی، سؤال اصلی این است که در آینده درازمدت چه اتفاقی خواهد افتاد؟ بر این مبنا، اقدام به پیش‌بینی می‌کنند و این پیش‌بینی، اساس تصمیم‌گیری و سیاست می‌شود (مکلنن^۱، ۲۰۰۴). یا به دیگر سخن، از شرایط فعلی شروع می‌کند و به درون آینده می‌رود. درحالی‌که امروزه در دیدگاه‌های جدید برنامه‌ریزی، دیگر از مؤلفه‌های امروزی شروع نمی‌کنند؛ بلکه برنامه‌ریزی نقطه‌ای در آینده است و با تمرکز بر آینده و دیده‌بانی گذشته و حال، گام‌های معین برای معماری توسعه مطرح می‌شود (کانینگهام^۲، ۲۰۲۳). اگر بخواهیم در تعریف جدید، برنامه‌ریزی را فرایند حل مسائل امروز و آینده انسان دانست؛ امروزی که کاملاً متحول از گذشته است، پس باید در تعریف آن نیز تغییرات را پذیرفت و در آن بازنگری داشت (ما و وانگ^۳، ۲۰۲۳) در پایان باید گفت که روندهای پیشنهادی برای برنامه‌ریزی، به‌ویژه در سطح منطقه و ناحیه، روند آینده‌پژوهی براساس پارادایم هنجاری است.

۳.۲. تفاوت و رابطه آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری

آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری دو حوزه متفاوت اما مرتبط با هم در زمینه تحلیل و پیش‌بینی تحولات آینده هستند که در بسیاری از مواقع در فرآیندهای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری استفاده می‌شوند. در حالی که این دو مفهوم به نظر مشابه می‌آیند، تفاوت‌های کلیدی در روش‌ها و اهداف آنها وجود دارد.

-
1. McLennan
 2. Cunningham
 3. Ma & Wang

آینده‌پژوهی^۱ به‌عنوان یک حوزه علمی و کاربردی به مطالعه و تجزیه و تحلیل روندهای بلندمدت آینده و سناریوهای ممکن پرداخته و هدف آن شبیه‌سازی آینده‌های متعدد و پیش‌بینی تحولات مختلف است (اسلاوتر^۲، ۱۹۹۹). آینده‌پژوهی با استفاده از ابزارهای مختلفی مانند مدل‌سازی، تحلیل روند و سناریونویسی به بررسی تحولات بالقوه پرداخته و به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کند تا با آمادگی بیشتری به چالش‌ها و فرصت‌های آینده پاسخ دهند. آینده‌پژوهی عمدتاً بر عدم قطعیت‌ها، پیچیدگی‌ها و انتخاب‌های متعدد آینده تأکید دارد و هدف آن نه پیش‌بینی دقیق آینده بلکه ارائه گزینه‌ها و سناریوهای مختلف برای تصمیم‌گیری بهتر است (وروش^۳، ۲۰۰۳).

آینده‌نگاری^۴ نیز یکی دیگر از رویکردهای مشابه در تحلیل آینده است، با این تفاوت که بیشتر بر طراحی و ساختاردهی آینده براساس اهداف و آرزوهای معین متمرکز است. آینده‌نگاری فرآیندهایی است که با تأکید بر روی مدل‌ها و چارچوب‌های ساختاری، به دنبال طراحی و ترسیم آینده‌هایی است که ممکن است مطابق با دیدگاه‌ها و ارزش‌های خاصی شکل گیرند (ریک مان^۵، ۲۰۱۲). درواقع، آینده‌نگاری بیشتر به ایجاد آینده مطلوب و طراحی اقداماتی برای تحقق آن می‌پردازد و بیشتر بر خواسته‌های انسانی و آرزوها تکیه دارد.

تفاوت‌ها در این دو رویکرد عمدتاً به سطح اهداف و روش‌ها مربوط است. آینده‌پژوهی بیشتر به تحلیل روندها و شبیه‌سازی سناریوهای مختلف تمرکز دارد، درحالی‌که آینده‌نگاری بر طراحی آینده‌ای مطلوب و ساختاردهی آن برای تحقق اهداف خاص متمرکز است (اسلاوتر، ۱۹۹۹). به عبارتی، آینده‌پژوهی به‌طور عمده به بررسی عدم قطعیت‌ها و تحلیل گزینه‌ها می‌پردازد، درحالی‌که آینده‌نگاری بیشتر به ایجاد یک چشم‌انداز مثبت از آینده توجه دارد.

-
1. Foresight
 2. Slaughter
 3. Voros
 4. Futuring
 5. Rieckmann

رابطه میان آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری این است که هر دو رویکرد به تحلیل و تصمیم‌گیری در زمینه آینده کمک می‌کنند، اما با تأکیدات متفاوت؛ درواقع، آینده‌پژوهی می‌تواند ابزارهایی برای فهم بهتر روندها و احتمالات آینده فراهم کند که در طراحی و ایجاد آینده‌های مطلوب توسط آینده‌نگاری استفاده شود. بنابراین، این دو رویکرد نه تنها مستقل از یکدیگر نیستند بلکه در کنار هم می‌توانند به دستیابی به اهداف بلندمدت و مواجهه با چالش‌های آینده کمک کنند.

۳.۳. چارچوب نظری

در توسعه منطقه‌ای و تحلیل تهدیدات و فرصت‌های موجود در مناطق مرزی، نظریات مختلفی وجود دارند که می‌توانند به عنوان چارچوب نظری پژوهش حاضر به کار روند. یکی از مهم‌ترین نظریات، **نظریه توسعه منطقه‌ای و تفاوت‌های فضایی** است که به طور گسترده‌ای در تحلیل نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در مناطق مختلف به کار می‌رود. مارتین^۱ (۲۰۱۱) بیان می‌کند که عوامل مختلفی همچون منابع طبیعی، زیرساخت‌ها و دسترسی به بازارها می‌توانند بر روند توسعه منطقه‌ای تأثیرگذار باشند. به‌ویژه در مناطق مرزی، عواملی چون سیاست‌های اقتصادی، امنیتی و اجتماعی تأثیرات عمده‌ای در سرعت و نوع توسعه دارند. شهرستان زیرکوه با توجه به موقعیت استراتژیک خود در مرز با افغانستان، از این تفاوت‌های فضایی در فرآیند توسعه رنج می‌برد و نیازمند توجه خاصی در برنامه‌ریزی است.

در کنار این، **نظریه توسعه پایدار** به‌ویژه در مناطق مرزی، از اهمیت زیادی برخوردار است. براون^۲ (۲۰۱۶) معتقد است که توسعه پایدار باید در راستای حفظ محیط زیست و بهبود کیفیت زندگی مردم، همراه با تقویت زیرساخت‌ها و بهره‌برداری از منابع طبیعی باشد. در مناطق مرزی چون شهرستان زیرکوه، توسعه پایدار می‌تواند به عنوان یک ابزار کلیدی در بهبود وضعیت اقتصادی و

1. Martin

2. Brown

اجتماعی و همچنین مدیریت چالش‌های زیست‌محیطی عمل کند. از این رو، توجه به رویکردهای توسعه پایدار در این مناطق، به‌ویژه با توجه به شرایط خاص مرزی آن، امری ضروری است.

یکی دیگر از نظریات مهم در این زمینه **نظریه آینده‌پژوهی و سناریوسازی** است که در تحلیل تحولات احتمالی و پیش‌بینی تهدیدات و فرصت‌ها به‌ویژه در مناطق مرزی، نقش بسیار مهمی دارد. تیموروف و کازاکوف^۱ (۲۰۱۶) بر این نکته تأکید دارند که استفاده از مدل‌های آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی می‌تواند به تصمیم‌گیرندگان کمک کند تا سناریوهای مختلف توسعه را بررسی کرده و استراتژی‌هایی برای مقابله با چالش‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌ها طراحی کنند. این رویکرد به‌ویژه برای شهرستان زیرکوه، با توجه به موقعیت خاص آن در مرزهای شرقی ایران، می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تحلیل تهدیدات و فرصت‌های آینده و طراحی سناریوهای توسعه کاربرد داشته باشد.

نظریه امنیت مرزی و توسعه اجتماعی نیز یکی از جنبه‌های اساسی در توسعه مناطق مرزی است. آدامز و رایت^۲ (۲۰۱۴) بیان می‌کنند که امنیت مرزها نه تنها از منظر نظامی، بلکه از جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در مناطق مرزی ایران، به‌ویژه در شهرستان‌های شرقی چون زیرکوه، توجه به امنیت اجتماعی و توسعه انسانی می‌تواند پیش‌نیازهای اصلی برای رشد اقتصادی و کاهش تهدیدات مختلف باشد. امنیت در این مناطق علاوه بر حفاظت از مرزها، باید به‌طور هم‌زمان شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم را نیز در نظر بگیرد.

در نهایت، **نظریه همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی** به‌ویژه در مناطق مرزی، نقش مهمی در تسهیل فرآیندهای توسعه دارد. نیکولایف و پتروف^۳ (۲۰۱۵) تأکید دارند که همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای می‌تواند به کاهش تنش‌ها و تقویت زیرساخت‌ها کمک کند. در شهرستان زیرکوه که مرز مشترک با افغانستان دارد، تقویت روابط اقتصادی و اجتماعی با کشورهای همسایه می‌تواند فرصتی

1. Timurov & Kazakov

2. Nikolaev & Petrov

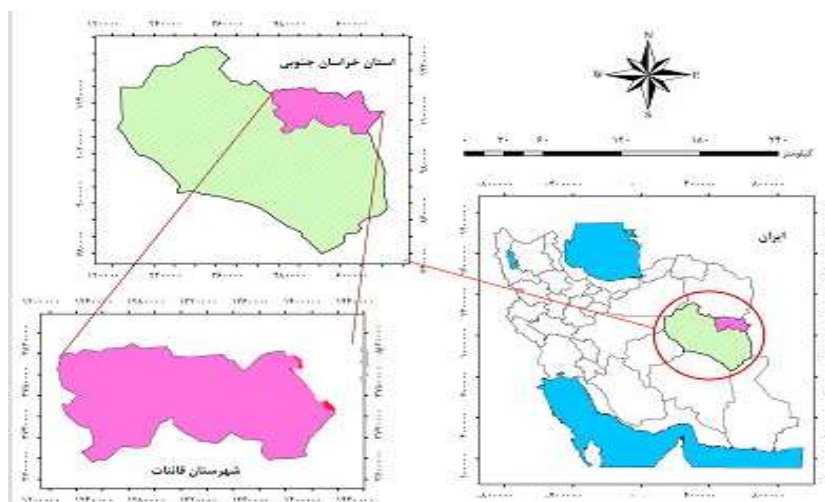
3. Nikolaev & Petrov

برای توسعه پایدار این منطقه باشد. همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نه تنها به حل مسائل امنیتی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به عنوان محرک توسعه اقتصادی در این مناطق عمل کند. در مجموع، این پنج نظریه به طور جامع به تحلیل و توسعه مناطق مرزی می‌پردازند و چارچوبی برای مطالعه شهرستان زیرکوه فراهم می‌کنند. ترکیب این رویکردها می‌تواند به توسعه پایدار و امن شهرستان‌های مرزی ایران، به ویژه در مناطق استراتژیک مانند زیرکوه، کمک کند.

۴. مواد و روش

۴.۱. منطقه مورد مطالعه

شهرستان زیرکوه، یکی از شهرستان‌های مهم و استراتژیک استان خراسان جنوبی است که در مرز شرقی ایران با کشور افغانستان قرار دارد. مرکز این شهرستان، شهر حاجی‌آباد است و طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت آن به ۴۰,۱۵۵ نفر رسیده است. این شهرستان با مساحتی بالغ بر ۶۴۲۷ کیلومتر مربع، از نظر جغرافیایی و سیاسی موقعیت ویژه‌ای در شرق کشور دارد. از شمال، شهرستان زیرکوه به بخش‌های قاسم‌آباد و سنگان از شهرستان خواف محدود می‌شود، از جنوب با بخش قهستان از شهرستان درمیان هم‌مرز است، از غرب با شهرستان قاینات همسایه است و از شرق، به طول حدود ۱۱۶ کیلومتر با کشور افغانستان مرز مشترک دارد. مرز طولانی شهرستان با افغانستان، این منطقه را به یکی از مناطق حساس از نظر امنیتی و اقتصادی تبدیل کرده است. در تقسیمات اخیر کشوری، شهرستان زیرکوه از شهرستان قاینات جدا شده و به عنوان شهرستانی مستقل شکل گرفته است. این شهرستان به دلیل موقعیت جغرافیایی و مرزی خود، ظرفیت‌های بالایی برای توسعه اقتصادی، تجاری و فرهنگی دارد، اما در عین حال با چالش‌های امنیتی و اجتماعی مختلفی نیز روبه‌رو است. به همین دلیل، برنامه‌ریزی دقیق و استراتژیک برای توسعه همه‌جانبه این شهرستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.



شکل ۱. موقعیت شهرستان

منبع: نگارندگان، ۱۴۰۳

این شهرستان از سه بخش مرکزی به مرکزیت شهر حاجی آباد، شامل دهستان زیرکوه و پترگان، بخش زهان به مرکزیت شهر زهان، شامل دهستان زهان و افین، بخش شاسکوه به مرکزیت روستای آبیز، شامل دهستان شاسکوه و بهناباد تشکیل شده است. مرکز این شهرستان، در موقعیت ۵۹ درجه و ۵۸ دقیقه طول شرقی و ۳۳ درجه و ۳۷ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. شهر حاجی آباد در فاصله ۸۵ کیلومتری شرق شهر قاین، مرکز شهرستان قاینات و ۱۸۵ کیلومتری شهر بیرجند، مرکز استان خراسان جنوبی واقع شده است و ارتفاع آن از سطح دریا حدود ۹۸۰ متر است (سند توسعه شهرستان زیرکوه، ۱۴۰۰).

۴. روش پژوهش

این پژوهش از نوع مطالعات کیفی به شمار می آید و برای تحلیل داده ها از تکنیک های مختلف استفاده می شود. در این راستا، از تحلیل ساختاری-تفسیری با استفاده از نرم افزار میک مک و همچنین

تحلیل محتوا بهره گرفته شده است. این انتخاب به دلیل نیاز به استخراج متغیرهای پژوهشی از میان متون چاپی و اسناد توسعه‌ای شهرستان زیرکوه است.

در این تحقیق، ابزار جمع‌آوری داده‌ها از نوع پرسشنامه متخصصان بوده و از روابط‌سنجی ماتریسی برای تحلیل روابط میان متغیرها استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌طور ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی انجام می‌شود تا از تمام ابعاد داده‌ها بهره‌برداری بهینه صورت گیرد. در بخش کیفی، جامعه آماری این تحقیق شامل متون چاپی در حیطه مطالعات توسعه منطقه‌ای و همچنین اسناد توسعه‌ای شهرستان زیرکوه است. نمونه‌گیری در این بخش با توجه به اشباع نظری انجام شده است و در نهایت، ۱۰ متن کدگذاری شده از اسناد و متون موجود انتخاب شد که از این میان ۲۹ متغیر اصلی استخراج گردید.

در بخش کمی، جامعه آماری شامل ۱۵ خبره در حیطه برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌شود که نمونه‌گیری نیز در این بخش براساس اشباع نظری صورت گرفته است. برای طراحی سناریوهای پژوهش از نرم‌افزار "سناریو ویزارد" استفاده شده است تا امکان شبیه‌سازی و بررسی سناریوهای محتمل برای توسعه شهرستان زیرکوه فراهم گردد.

این روش‌شناسی که تلفیقی از روش‌های کیفی و کمی است، به‌طور جامع به تحلیل و ارزیابی عوامل مؤثر بر توسعه منطقه‌ای شهرستان زیرکوه پرداخته و سناریوهای مختلف را برای آینده این منطقه به‌طور ساختاری و علمی تدوین می‌کند.

۵. یافته‌های پژوهش

۵.۱. معرفی متغیرها

متغیرهای راهبردی شهرستان زیرکوه در این پژوهش، از طریق کدگذاری بر روی اسناد طرح‌های توسعه‌ای شهرستان، استان و نیز متون چاپی با موضوعیت توسعه منطقه‌ای به‌دست آمده است. این شاخص‌ها ابتدا به وسیله خبرگان، که ۱۵ خبره در نظام برنامه‌ریزی شهری - منطقه‌ای بوده‌اند، ارزیابی

و مطرح گردید. نکته قابل توجه، جامع نگریستن به مبحث متغیرهای درون شهرستانی، استانی و کشوری است. به صورت کلی، اساس روش مورد مطالعه، رویکرد سیستمی است که با توجه به این رویکرد، باید گفت که متغیرها به سه دسته درون شهرستان، استانی و کشوری تقسیم شده‌اند. در توضیح این مطلب باید گفت که در رویکرد سیستمی عوامل به مجموعه عوامل درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند. عوامل درونی مختص ویژگی‌های شهرستان است و عوامل بیرونی عواملی است که از بیرون از مرزهای سیاسی شهرستان، عاملی برای توسعه یا عقب ماندگی محسوب می‌شود. پیرامون این پژوهش، ۲۹ متغیر محلی و برون محلی شناسایی شده است. جدول ۱ بیانگر هریک از متغیرهای پژوهشی است.

جدول ۱. متغیرهای درون و برون محلی با تلفیق تحلیل محلی و برون محلی و نظر خبرگان

منبع: نگارندگان، ۱۴۰۳

عوامل طبیعی و زیست محیطی	آلودگی هوا اقلیم توپوگرافی تعادل اکولوژیکی
عوامل اجتماعی و فرهنگی	جمعیت مهاجرت روحیه مشارکت، سرمایه اجتماعی تعلق مکانی امنیت عمومی میزان اعتماد در کسب و کار، عدالت فضایی
عوامل اقتصادی	بهره وری تولید صادرات محصول

واردات محصول تولیدات کشاورزی تولیدات صنعتی، سرمایه گذاری داخلی تجارت و بازرگانی توریسم گردشگری سرمایه گذاری بخش خصوصی سرمایه گذاری بخش دولتی رقابت پذیری فرهنگ مصرف امنیت سرمایه گذاری تورم		
شیوه ی مدیریت کلان کشوری ثبات سیاسی کشور و منطقه، سطح روابط کشور با منطقه و جهان	عوامل نهادی و سیاسی	متغیرهای فرامحلی

۵. ۲. تحلیل ساختاری

در این بخش، آن چه به عنوان تحلیل ساختاری معرفی می شود، ارتباط مابین ۲۹ متغیر شناسایی شده است که توسط خبرگان ارزیابی می شود تا بتوان میزان تاثیرگذاری و تاثیرپذیری هریک، و امتیاز نهایی محاسبه شود. در این ارزیابی، از متخصصان درخواست شد که پاسخ را با چهار عدد صفر، یک، دو، و سه مطرح نمایند. عدد صفر درواقع عدم تاثیرگذاری را مطرح می کند. یک به معنی تاثیر ضعیف، دو به منزله تاثیر متوسط، و در نهایت سه به منزله تاثیر زیاد در نظر گرفته می شود. از آن جایی که ارزیابی به وسیله یک پرسشنامه ماتریسی انجام می شود؛ ابعاد ۲۹ در ۲۹ دارد. درجه پیرشدگی این ماتریس ۸۱.۰۱ درصد است که ۱۵۹ عدد با صفر ارزیابی شده است که به معنای عدم وجود رابطه بین متغیرها است. ۱۳۰ مورد، عدد یک را به خود تخصیص داده اند که به معنای وجود

رابطه ضعیف است. در ۴۲۴ مورد، رابطه متوسط یا عدد دو بوده است و تعداد ۱۲۸ رابطه، تأثیر زیاد یا عدد ۳ را شامل می شود. در مجموع تعداد ۶۸۲ مورد، عدد غیر صفر است. این بدان معنا است که ۷۶.۷ درصد متغیرها، با یکدیگر مرتبط هستند و مابین آنها، روابط علی مطرح است. در این مطالعه دو بار چرخش مد نظر قرار گرفته است و ماتریس بهینه شده است که بیانگر عدد ۱۰۰ است و روایی بالای پرسشنامه را نشان می دهد. در زیر جدول شاخص های پرشدگی پرسشنامه نشان داده می شود.

جدول ۲. تحلیل اولیه داده های ماتریس و اثرات متقابل

منبع: یافته های پژوهش، ۱۴۰۳

مقدار	شاخص
۲۹	سایز ماتریس
۲	تعداد تکرار
۱۵۹	تعداد صفر
۱۳۰	تعداد یک
۴۲۴	تعداد دو
۱۲۸	تعداد سه
۰	تعداد P
۶۸۲	کل
۸۱.۰۱	پرشدگی

متناسب با تحلیل میک مک انجام گرفته نتایج زیر قابل ارائه است:

- ۱- متغیر تعیین کننده و تأثیرگذار: به متغیری می گویند که بیشترین اهمیت را در روند توسعه دارد و در قسمت شمال غربی نمودار قرار دارد. این پژوهش هیچ متغیر تعیین کننده ای ندارد.
- ۲- متغیر دوجبهی: به چنین متغیرهایی متغیرهای رابطه ای نیز می گویند. این متغیرها هم بالاترین تأثیرگذاری و هم بالاترین تأثیرپذیری را دارند. هر تغییری در کلیت سیستم زمانی می تواند

بهترین تأثیر را داشته باشد که از طریق این متغیرها وارد شود. این متغیر را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد که عبارت‌اند از متغیرهای ریسک و متغیر هدف. متغیر ریسک در شمال شرقی نمودار ظاهر می‌شود و به نوعی کلیدی‌ترین متغیر سیستم است. این متغیرها عبارت‌اند از عدالت فضایی، روحیه مشارکت، رقابت‌پذیری، سرمایه اجتماعی، تولیدات کشاورزی، تورم، تعلق مکانی، تجارت و بازرگانی، ثبات سیاسی کشور و منطقه، شیوه مدیریت کلان کشوری، امنیت سرمایه‌گذاری، صادرات محصولات، واردات، تجارت و بازرگانی، توریسم، تولیدات صنعتی و بهره‌وری تولید. به این متغیرها متغیرهای ناپایدارکننده سیستم می‌گویند و یکی از دلایل ناپایداری در سیستم این متغیرها هستند.

۳- متغیر تأثیرپذیر: این متغیرها تأثیرپذیری بسیار بالا و تأثیرگذاری کم دارند و در قسمت جنوب شرقی سیستم قرار دارند. مهاجرت، امنیت، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری داخلی، جمعیت، سطح روابط کشور با منطقه جهان، فرهنگ مصرف، سرمایه‌گذاری دولتی.

۴- متغیر مستقل: این متغیرها بالاترین تأثیرگذاری و کمترین تأثیرپذیری را دارند و در قسمت جنوبی نمودار ظاهر می‌شوند. از قبیل توپوگرافی، تعادل اکولوژیک، اقلیم و هوا.

این متغیرها خود انواع مختلفی دارند. از جمله متغیر اهرمی که در منتهی‌الیه جنوب غربی قرار دارند. این متغیرها را متغیرهای بااهمیت می‌نامند. به این متغیرها متغیر معیار هم گویند.

۵. متغیر تنظیمی: این متغیرها نزدیکی مرکز ثقل قرار دارند. این متغیرها قابل تغییر به سایر متغیرها است. این متغیر در سیستم مربوطه عبارت‌اند از میزان اعتماد در کسب‌وکار.



شکل ۲. متغیرهای اصلی پژوهش

منبع: محاسبات نگارندگان با استفاده از نرم افزار میک مک، ۱۴۰۳

۵.۳. تدوین سناریو

بر مبنای اهمیت متغیرهای عدالت فضایی، روحیه مشارکت، رقابت پذیری، سرمایه اجتماعی، تولیدات کشاورزی، تورم، تعلق مکانی، تجارت و بازرگانی، ثبات سیاسی کشور و منطقه، شیوه مدیریت کلان کشوری، امنیت سرمایه گذاری، صادرات محصولات، واردات، توریسم، تولیدات صنعتی و بهره‌وری تولید می‌توان گفت که سناریوها با توجه به محور مذکور تدوین و طراحی خواهد شد.

۱- وضعیت احتمالی عوامل کلیدی: با توجه به اهمیت متغیرهای شانزده گانه در این مطالعه می‌توان ۵۴ حالت محتمل برای مطلوبیت بخشی به ساختار کلی شهرستان زیرکوه در نظر گرفت. برای این منظور در این بخش سعی می‌شود از پرسشنامه ماتریسی که روابط مابین این متغیرها را به منظور تدوین سناریو محتمل می‌سازد، انتخاب شود. جدول زیر عوامل اصلی و وضعیت پیشروی شهر زیرکوه را نشان می‌دهد.

جدول ۳. عوامل اصلی و وضعیت توسعه شهر زیرکوه

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

شناسه	مؤلفه	
A1-A3	عدالت فضایی	پیگیری تفکر سیستمی عدالت فضایی در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی از طریق افزایش اختیارات مدیریت منطقه‌ای دادن اختیارات محدود به مناطق حفظ وضع موجود
B1-4	روحیه مشارکت	دخیل کردن مردم در جریان تولید طرح‌های شهری و منطقه‌ای دادن اطلاعات محدود از نتایج طرح‌های توسعه‌ای به مردم کاهش اعتماد به مردم و عدم شریک‌سازی با آنها حفظ وضع موجود
C1-C4	رقابت‌پذیری	ارتباط گسترده با مناطق مرزی به‌ویژه افغانستان توانمندسازی منطقه‌ای با افزایش تخصص‌گرایی منطقه‌ای حذف ارتباطات منطقه‌ای حفظ وضع موجود
D1-D3	سرمایه اجتماعی	افزایش حس هویت منطقه‌ای و محلی افزایش تعامل مردمی حفظ وضع موجود
E1-E4	تولیدات کشاورزی	برقراری سیاست‌های حمایتی از کشاورزان حمایت از تولیدات سودآور کشاورزی عدم حمایت از تولید کشاورزی حفظ وضع موجود
F1-F3	تورم	کنترل تورم، و تلاش برای تک‌رقمی شدن تورم کنترل نسبی تورم حفظ وضع موجود
G1-G3	تعلق مکانی	توجه به هویت‌گرایی قومی حفظ قومیت‌گرایی و توجه به یکپارچه‌سازی

مؤلفه	شناسه
	حفظ شرایط موجود
تجارت و بازارگانی	فعال سازی بازارچه مرزی منطقه افزایش مالیات بر تجارت برون مرزی حفظ وضع موجود
ثبات سیاسی منطقه	اهمیت نسبی به افراد و قومیت ها در اداره سیاسی کشور و منطقه حذف قومیت گرایی و تلاش برای یکپارچه سازی حفظ شرایط موجود
شیوه مدیریت کلان کشور	افزایش دامنه اختیارات مدیریتی در منطقه تمرکز زدایی اداری سیاسی در کشور افزایش تمرکز زدایی حفظ شرایط فعلی
امنیت سرمایه گذاری	اتصال کشور به روندهای مالی جهانی و شفافیت جریانهای مالی ادامه انفصال بین المللی در بخش تجارت و سرمایه گذاری حفظ شرایط موجود
صادرات	تخصیص سیاست های حمایتی برای صادرات افزایش مالیات بر کسبه و تجار حفظ شرایط موجود
واردات	جلوگیری از واردات محصولات تجاری به منظور توسعه کالای درونی اجازه ورود مشروط کالاها واردات گسترده کالاهای مشابه داخلی حفظ وضع موجود
توریسم	تخصیص منابع مطالعات گسترده در زمینه توریسم منطقه گسترش مدیریت مناسب جهت نگهداشت منابع طبیعی و بومی نادیده گرفتن توریسم حفظ شرایط موجود

شناسه	مؤلفه	
P1-P4	تولیدات صنعتی	افزایش تولیدات صنعتی افزایش نسبی تولیدات صنعتی نادیده گرفتن تولیدات صنعتی حفظ شرایط موجود
Q1-Q2	بهره‌وری تولید	افزایش سازوکارهای افزایش دهنده ارزش داخلی نگه‌داشتن وضع موجود

در قالب جدول شماره ۴ به بررسی سناریوهای محتمل در این زمینه پرداخته شده است. تعداد سناریوهای محتمل ۱۴۶ سناریو است که برای محدود شدن سناریوها محقق در این بخش میزان ناسازگاری سناریوها را در عدد یک تنظیم کرد. با توجه به چنین روندی تعداد سه سناریو استخراج شده است.

جدول ۴. سناریوهای مورد پذیرش

منبع: محاسبات نگارندگان ۱۴۰۳

Scenario No. 1	Scenario No. 2	Scenario No. 3
پیگیری تفکر سیستمی عدالت فضایی در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی		
دخیل کردن مردم در جریان تولید طرح‌های شهری و منطقه‌ای		
دادن اطلاعات محدود از نتایج طرح‌های توسعه‌ای به مردم		
ارتباط گسترده با مناطق مرزی به‌ویژه افغانستان		
افزایش تعامل مردمی		
برقراری سیاست‌های حمایتی از کشاورزان		
کنترل تورم و تلاش برای تک رقمی شدن تورم	کنترل نسبی تورم	

Scenario No. 1	Scenario No. 2	Scenario No. 3
توجه به هویت‌گرایی قومی		
فعال‌سازی بازارچه مرزی منطقه		
حذف قومیت‌گرایی و تلاش برای یکپارچه‌سازی		
حفظ شرایط فعلی		
ادامه انفصال بین‌المللی در بخش تجارت و سرمایه‌گذاری	اتصال کشور به روندهای مالی جهانی و شفافیت جریانهای مالی	ادامه انفصال بین‌المللی در بخش تجارت و سرمایه‌گذاری
حفظ شرایط موجود		
اجازه ورود مشروط کالاها		واردات گسترده کالاهای مشابه داخلی
تخصیص منابع مطالعات گسترده در زمینه توریسم منطقه		
حفظ شرایط موجود		
افزایش سازوکارهای افزایش‌دهنده ارزش داخلی		

بر مبنای داده‌های جدول فوق می‌توان سناریوهای توسعه شهرستان زیرکوه را به شرح ذیل مشخص کرد:

۱- استراتژی شرایط بحرانی: تغییر نگاه به قومیت‌ها و ایجاد برابری مکانی و برقراری ارتباطات بین‌الملل: در مناطق مرزی ایران همواره سعی شده است که الزامات نظامی و امنیتی بیش از توانمندی محیطی، اجتماعی و اقتصادی این مناطق مطرح گردد؛ درحالی‌که این منطقه می‌تواند با ایجاد بازارچه‌های مرزی امکان برقراری روابط بین‌الملل را فراهم نماید. این امر نه تنها امکان توسعه اقتصادی این مناطق را گسترش می‌دهد، بلکه به لحاظ اقتصادی نیز از قرار گرفتن

در حاشیه این مناطق جلوگیری می‌کند. در نتیجه تزریق اهرم اقتصادی به این مناطق نابرابری قومی کاهش می‌یابد. درواقع رفع نابرابری قومی نیاز به اهتمام و به‌کارگیری اهرم‌های اقتصادی و اجتماعی توأمان دارد.

۲- استراتژی در حالت بحران یا نیمه‌بحران: افزایش نقش دولت در زمینه کاهش تورم و ایجاد برابری فضایی و تقویت مسیرهای ارتباطی و بین‌الملل: در این زمینه باید به این امر اشاره کرد که دولت‌ها اغلب به‌منظور جبران کسربودجه خود بدون هیچ ضابطه‌ای اقدام به چاپ پول ملی می‌کنند. این در حالی است که بیشتر معاملات برون‌مرزی در ایران با موانع بسیار زیادی مواجه است. نتیجه چنین امری افزایش حجم نقدینگی و کاهش کالا است که در نهایت منجر به افزایش تورم می‌شود. بنابراین در این زمینه نیاز است که سیاست‌های کلان اقتصادی دولت‌ها بر برقراری توازن اقتصادی و همچنین ایجاد سیاست‌های اقتصادی عقلانی باشد. از سویی می‌توان در ایجاد روابط تجاری به‌ویژه با همسایگان شرقی تمهیداتی برقرار کرد که موانع تجارت را بکاهد. بدین ترتیب باید گفت که مهم‌ترین سیاست در توسعه مناطق مرزی مانند زیرکوه تزریق منابع اقتصادی مطلوب و اتخاذ سیاست‌های مناسب است.

۳- سیاست تداوم وضع موجود: ایجاد تعامل اجتماعی بیشتر و زمینه‌سازی برای سیاست‌های جمعیتی مناسب: شهرستان زیرکوه مانند بسیاری دیگر از شهرهای نابرخودار دچار عدم تعادل جمعیتی است. این شهرستان به‌سبب مهاجرت گسترده هم از لحاظ تناسب جمعیتی و هم از نظر تناسب جنسیتی نتوانسته اهداف برنامه‌ریزی فضایی را تأمین نماید. از مهم‌ترین زمینه‌ها در این مورد می‌توان به توسعه عدالت فضایی در این محدوده با تزریق بیشتر منابع و نیز مشارکت بیشتر مردمی اشاره کرد.

۶. نتیجه گیری

بحران‌ها و چالش‌های پیچیده و چندلایه‌ای که جوامع امروزی با آن‌ها مواجه هستند، بیش از هر زمان دیگری ضرورت پرداختن به آینده و برنامه‌ریزی مبتنی بر آینده‌پژوهی را آشکار می‌سازد. آنچه امروز به‌عنوان بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی یا امنیتی تجربه می‌شود، درواقع محصول بی‌توجهی به علائم اولیه و نادیده گرفتن روندهای اثرگذار در گذشته است. از این رو، آینده‌پژوهی نه تنها ابزاری برای پیش‌بینی آینده، بلکه بستری برای ساختن آینده‌ای مطلوب و مطلوب‌سازی مسیر توسعه تلقی می‌شود.

در پژوهش حاضر، با تمرکز بر شهرستان زیرکوه به‌عنوان یک منطقه با ویژگی‌های خاص جغرافیایی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی، تلاش شد تا با بهره‌گیری از رویکرد آینده‌پژوهی، گامی عملی در جهت شناسایی متغیرهای کلیدی و طراحی سناریوهای ممکن و محتمل توسعه برداشته شود. تحلیل ساختاری متون توسعه‌ای، همراه با گردآوری نظرات خبرگان از طریق پرسشنامه ساختاری تفسیری، منجر به شناسایی ۲۹ متغیر مؤثر شد که از میان آن‌ها، ۱۶ متغیر به‌عنوان متغیرهای اصلی تعیین‌کننده در روند توسعه آینده شهرستان زیرکوه شناخته شدند.

سناریوهای طراحی‌شده در این پژوهش نشان می‌دهند که توسعه شهرستان در گرو اتخاذ رویکردهایی منعطف، مشارکت‌محور و متکی بر درک صحیح از واقعیت‌های محلی و منطقه‌ای است. سناریوی اول با تمرکز بر شرایط بحرانی، به دنبال بازتعریف نگاه به هویت‌های قومی و گسترش عدالت فضایی از طریق ایجاد تعاملات بین‌المللی است؛ سناریوی دوم به تقویت نقش دولت در مدیریت بحران‌ها و توسعه زیرساخت‌های ارتباطی و همکاری‌های منطقه‌ای می‌پردازد؛ و سناریوی سوم بر تداوم وضع موجود با تقویت همبستگی اجتماعی و سیاست‌گذاری جمعیتی هوشمندانه تأکید دارد.

این سناریوها نمایانگر سه رویکرد متفاوت به آینده‌اند که می‌توانند مبنایی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه پایدار باشند. در دنیای امروز، که با رشد شتابان فناوری، رقابت‌های اقتصادی و تحولات سیاسی و اجتماعی مواجه است، موفقیت در عرصه توسعه نیازمند درک عمیق از روندها، ریسک‌ها و فرصت‌های پیش‌روست. آینده‌پژوهی به ما امکان می‌دهد که نه تنها از تهدیدها اجتناب کنیم، بلکه با تقویت ظرفیت‌ها، به شکوفایی و تاب‌آوری بیشتر مناطق برسیم.

شهرستان زیرکوه، با بهره‌مندی از مزیت‌های متنوع طبیعی، کشاورزی، معدنی و گردشگری و درعین‌حال مواجهه با تهدیدات ناشی از هم‌مرزی با کشور افغانستان، نمونه‌ای ممتاز برای تحلیل آینده‌نگرانه توسعه به شمار می‌رود. اگر متغیرهای کلیدی توسعه این منطقه به‌درستی شناسایی، پایش و مدیریت شوند، این شهرستان می‌تواند به الگویی موفق از توسعه پایدار و آینده‌نگر در سطح ملی تبدیل گردد. از این رو، لزوم تدوین سیاست‌های مبتنی بر آینده‌پژوهی، همراه با مشارکت فعال ذی‌نفعان محلی، نهادهای دولتی و بخش خصوصی، بیش از پیش احساس می‌شود.

در پایان، می‌توان گفت که مسیر دستیابی به توسعه پایدار، متوازن و مقاوم، بدون بهره‌گیری از رویکرد آینده‌پژوهانه ممکن نخواهد بود. برنامه‌ریزی بر مبنای آینده‌پژوهی، نه تنها توان تصمیم‌گیری در شرایط پیچیده را افزایش می‌دهد، بلکه بستری برای ساخت آینده‌ای بهتر، عادلانه‌تر و پایدارتر فراهم می‌سازد.

کتابنامه

۱. آقایی، م. (۲۰۱۸). مرزهای شرقی ایران و امنیت داخلی: تحلیل وضعیت مرزهای ایران با افغانستان. *سیاست‌گذاری و امنیت منطقه‌ای*، ۲۱ (۱)، ۵-۲۰.
۲. استانداری خراسان جنوبی. (۱۴۰۰). *سند توسعه شهرستان زیرکوه*.
۳. حسینی، ع. (۲۰۲۰). تحلیل عوامل مؤثر در توسعه پایدار شهرستان‌های مرزی ایران. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴۷ (۲)، ۳۳-۴۱.

۴. علی‌زاده، م؛ حسینی، ع؛ و موسوی، پ. (۲۰۱۹). آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی مناطق مرزی: بررسی موردی سیستان و بلوچستان. *فصلنامه توسعه منطقه‌ای*، ۱۱ (۳)، ۷۸-۹۳.
<https://doi.org/10.1234/journal.2019.11.3.78>
۵. فرهادی، م. (۲۰۱۷). تحلیل تأثیر موقعیت جغرافیایی مرزهای شرقی ایران بر امنیت و توسعه اقتصادی: مورد مطالعه استان خراسان جنوبی. *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۳۵ (۴)، ۴۵-۶۲.
6. Adams, J., & Wright, C. (2014). Security and development in the U.S.-Mexico border regions: A socio-economic analysis. *Border Security and Development*, 16(2), 45–60. <https://doi.org/10.1177/journal.borders.2014.16.2.45>
7. Berglund-Snodgrass, L. (2022). Urban planning for car-free housing and ideas of future desired states. *Nordic Journal of Urban Studies*, 1, 63–81. <https://doi.org/10.16993/njus.945>
8. Brown, L. (2016). *Sustainable development: A guide to the global challenge*. Oxford University Press.
9. Cunningham, A. (2023). *Practicing together: Designing with consent, towards a new theoretical approach to the professional-led participatory design of urban space* (Doctoral dissertation, Lincoln University). Lincoln University.
10. Faludi, A. (2004). The impact of a planning philosophy. *Planning Theory*, 3(3), 225–236. <https://doi.org/10.1177/1473095204043477>
11. Graham, S., & Marvin, S. (2000). *Urban planning and the technological future of cities*. Routledge.
12. Hans-Horst, S., & Jetter, A. J. M. (2003). Integrating market and technological knowledge in the fuzzy front end: An FCM-based action support system. *International Journal of Technology Management*, 26, 517–539. <https://doi.org/10.1504/IJTM.2003.003073>
13. Jordan, H., & Katz, P. (2017). Eastern European borders and economic development: A case study of the EU-Russia border. *European Journal of Border Studies*, 30(2), 112–129. <https://doi.org/10.1016/j.euroborder.2017.03.014>
14. Khakee, A. (1991). Scenario construction for urban planning. *Omega*, 19(5), 459–469. [https://doi.org/10.1016/0305-0483\(91\)90004-2](https://doi.org/10.1016/0305-0483(91)90004-2)
15. Lumeng, L. I. U., & Jianguo, W. U. (2022). Scenario analysis in urban ecosystem services research: Progress, prospects, and implications for urban planning and management. *Landscape and Urban Planning*, 224, 104433. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2022.104433>

16. Ma, J., Liu, D., & Wang, Z. (2023). Sponge city construction and urban economic sustainable development: An ecological philosophical perspective. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 20(3), 1694. <https://doi.org/10.3390/ijerph20031694>.
17. Martin, R. (2011). Regional economic development: A critical review. *Journal of Economic Geography*, 11(5), 689–710. <https://doi.org/10.1093/jeg/lbq003>
18. McLennan, J. F. (2004). *The philosophy of sustainable design: The future of architecture*. Ecotone Publishing.
19. Nikolayev, V., & Petrov, M. (2015). Border regions of Central Asia: Challenges and opportunities for development. *Central Asian Studies Journal*, 28(3), 58–75. <https://doi.org/10.1007/journal.2015.28.3.58>.
20. Rieckmann, M. (2012). Future-oriented higher education: Which key competencies should be fostered through higher education for sustainable development? *Futures*, 44(2), 127–135.
21. Slaughter, R. (2009). The state of play in the futures field: A meta scanning overview. *Foresight*, 11(5), 6–20. <https://doi.org/10.1108/14636680910996578>.
22. Slaughter, R. A. (1999). *Foresight: The exploration of the future*. Social Science Press.
23. Stojanović, M., Mitković, P., & Mitković, M. (2014). The scenario method in urban planning. *Facta Universitatis-Series: Architecture and Civil Engineering*, 12(1), 81–95. <https://doi.org/10.2298/FUACE1401081S>
24. Timurov, A., & Kazakov, D. (2016). Foresight methodology for planning border regions: A case study from the CIS countries. *Regional Development Review*, 22(4), 120–136. <https://doi.org/10.1016/j.regdev.2016.04.011>.
25. Varum, C. A., & Melo, C. (2020). Directions in scenario planning literature: A review of the past decades. *Futures*, 42, 355–369. <https://doi.org/10.1016/j.futures.2020.03.001>.
26. Voros, J. (2003). A generic foresight process framework. *Futures*, 35(3), 315–328.
27. Waks, L. J. (2001). Donald Schon's philosophy of design and design education. *International Journal of Technology and Design Education*, 11, 37–51. <https://doi.org/10.1023/A:1016800324013>.
28. Wu, J. (2014). Urban ecology and sustainability: The state-of-the-science and future directions. *Landscape and Urban Planning*, 125, 209–221. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2014.02.012>
29. Xu, Q., Zheng, X., & Zheng, M. (2019). Do urban planning policies meet sustainable urbanization goals? A scenario-based study in Beijing, China. *Science of the Total Environment*, 670, 498–507. <https://doi.org/10.1016/j.scitotenv.2019.03.053>